

تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر میزان همدلی نوجوانان

عباس‌علی هراتیان*، محمود نوذری**

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر میزان همدلی نوجوانان می‌باشد. از میان جامعه آماری یعنی دانش‌آموزان کلاس سوم مقطع راهنمایی شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷، ۲۲۰ نفر ۱۵ تا ۱۶ ساله به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، در دو مرحله به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده شد که اطلاعات لازم، توسط پرسش‌نامه همدلی دیویس جمع‌آوری شد. داده‌ها توسط تحلیل واریانس چندمتغیره دوره‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که: ۱. بازی‌های رایانه‌ای بر دیدگاه‌پذیری، تأثیر منفی داشته و بر متغیر همدلی و زیرمقیاس‌های اندوه شخصی و نگرانی همدلانه، تأثیری نداشته است. ۲. دانش‌آموزانی که به طور متوسط، روزانه بیشتر از ۵۲ دقیقه به بازی‌های رایانه‌ای پرداخته‌اند، از دیدگاه‌پذیری کمتری برخوردارند. ۳. جنسیت، در همبستگی بین بازی‌های رایانه‌ای و حرمت‌خود، تأثیرگذار است. کلیدواژه‌ها: همدلی، نگرانی همدلانه، دیدگاه‌پذیری، اندوه شخصی، بازی‌های رایانه‌ای، نوجوان.

A.haratiyan@gmail.com

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس روان‌شناسی خانواده

** دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار گروه علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. mnowzari@rihu.ac.ir

دریافت: ۹۰/۷/۴ - پذیرش: ۹۰/۱۲/۲۴

مقدمه

امروزه رایانه، یکی از مهم‌ترین اجزای زندگی بشر است. به گونه‌ای که در همه ابعاد زندگی شغلی و شخصی افراد، حضور پررنگ دارد. شاید نتوان روزی را بدون نیاز به رایانه سپری کرد؛ تصور این مطلب برای بسیاری از ما غیرممکن است. رایانه موجب سرعت بخشیدن به بسیاری از کارها می‌شود. انجام بعضی کارها بدون رایانه ناممکن به نظر می‌رسد. همزمان با حضور بازی‌های رایانه‌ای در دنیای نوجوانان، بحث از مفید یا مضر بودن آن نیز مطرح است. آیا بازی‌های رایانه‌ای، بازی ایده‌آل نوجوان به شمار می‌آید؟ یا اینکه ضررهای فراوان آن موجب می‌شود ما آن را کاملاً برای تعلیم و تربیت صحیح نوجوان مضر بدانیم و نسبت به حضور آن در زندگی خود حالت تدافعی داشته باشیم؟ یا اینکه از فواید آن بهره ببریم و برای آسیب دیدن حداقلی ناشی از آن، تمهیدی برگزینیم؟

تاریخچه بحث

تاریخچه بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای، به سال‌های اولیه دهه هشتاد برمی‌گردد. در سال ۱۹۷۲، شرکت آتاری یک بازی الکترونیکی تنیس روز میز به نام «پنگ» را معرفی و به بازار عرضه کرد. از آن به بعد، به تدریج بر تعداد شرکت‌های سازنده بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای افزوده شد. در پایان سال ۱۹۷۶، بیش از بیست شرکت مختلف به تولید بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای قابل مصرف در منازل می‌پرداختند.^۱

به تدریج در سال ۱۹۸۵ با اشباع بازار، فروش دستگاه‌های مربوط به بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای به کمترین مقدار ممکن رسید. اما در سال ۱۹۸۶ شرکت «نینتندو»^۲ با عرضه سخت‌افزار جدید خود، که ارتقای زیادی در کیفیت بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای پدید آورده بود، بسیاری را متوجه خود کرد. مسئله اخیر، در کنار پیشرفت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری صنایع الکترونیکی و رایانه‌ای و در نتیجه، کاهش قابل ملاحظه قیمت دستگاه‌ها، سبب توجه دوباره نوجوانان و جوانان به بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای شد.^۳

در ایران، تحقیق مدونی که به بررسی میزان شیوع و گسترده‌گی بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای پرداخته باشد، وجود ندارد. بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای در ایران، شاید با یک تأخیر ۱۰ تا ۱۵ ساله نسبت به غرب، در جامعه پدیدار شد. کلوپ‌های ویدیویی، که از آغاز در سطح شهرهای مختلف شکل گرفتند، چیزی بیش از یک مغازه متوسط یا کوچک نبودند. نخستین دستگاه‌هایی که در کلوپ‌های مذکور به کار گرفته شدند، آتاری و میکرو

بودند که با گذر زمان و فراگیرتر شدن دستگاه‌های پیشرفته‌تری که از گرافیک و پردازش بالاتری برخوردار بودند، جای خود را با سگا و بعد، با دستگاه‌های سنی، پلی استیشن، نینتندو و... عوض کردند.^۴

با روند پیشرفت فناوری الکترونیکی و ارزان‌تر شدن محصولات الکترونیکی، قیمت دستگاه‌های مربوط به بازی‌های ویدیویی - رایانه‌ای، در سال‌های اخیر روند نزولی چشمگیری داشته‌اند. به همین دلیل، دستگاه‌های خانگی بسیاری در دسترس جوانان قرار گرفته است.^۵ به گونه‌ای که بخش زیادی از اوقات فراغت کودکان و نوجوانان ایرانی، به بازی با رایانه می‌گذرد.

کارل گروس^۶ برای اولین بار، به جنبه کنشی بازی در بین سایر فعالیت‌ها توجه داشته، و معتقد است که بازی یک نوع پیش‌تمرین عمومی است؛ فعالیت یا تمرین مقدماتی و کمک‌کننده برای فعالیت‌هایی که فرد در آینده می‌خواهد انجام دهد.^۷

بازی در نظریه پیائزه عبارت است از: اولویت درون‌سازی نسبت به برون‌سازی. در چارچوب درون‌سازی و برون‌سازی، از یک‌سو، با یک اعمال سازش یافته روبه‌رو هستیم که بر اساس تعادل بین درون‌سازی و برون‌سازی حاصل آمده‌اند، از سوی دیگر، وقتی که کنش‌ها و فعالیت‌ها در روان‌بندها به صورت خالی جلوه‌گر شوند و هدف تعادل‌جویی را دنبال نکنند، فعالیت‌هایی که انجام می‌گیرند به منزله بازی خواهند بود. این امر، نشان‌دهنده نخستینی یا اولویت درون‌سازی بر برون‌سازی است. وقتی که جنبه برون‌سازی اولویت یابد، کنش تقلیدی بروز خواهد کرد.^۸

بازی دوره نوجوانی نوعی تفریح است که کنش‌های متنوعی برای نوجوانان دارد: تفریح به آنها فرصتی برای رشد مهارت‌های اجتماعی، توسعه علائق از راه تعامل با همسالانی که علائق مشابهی دارند، دستیابی به احساس وابستگی و درک هرچه بهتر خودشان فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، حس هویت فردی آنان را تقویت می‌کند.^۹

آنگاه که نوجوانان به تفریح‌های انفرادی می‌پردازند، که این امر با افزایش سن او بیشتر می‌شود، مانند هنگامی که مطالعه می‌کنند یا تلویزیون می‌بینند، فرصت خوبی برای درک هرچه بهتر خود، تحلیل علائق و توانایی‌ها و رشد استعدادهای خودشان در اختیار دارند.^{۱۰} یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران روابط انسانی قرار گرفته است، «همدلی» است. رابرت ویشر،^{۱۱} فیلسوف آلمانی، این واژه را در سال ۱۸۷۳ برای اشاره به جنبه‌ای از احساس زیبایی شناختی به کار برد. تئودور لیپس^{۱۲}، به

«همدلی»، دامنه فلسفی وسیع‌تری بخشید و آن را به این شکل از دسترسی شهودی نسبت به شناخت ذهنیت شخصی دیگر توسعه بخشید.^{۱۳}

سیگموند فروید، این واژه را در همین معنا به کار برد و به احتمال زیاد او با مطالعه آثار لپس، این واژه را در این معنا، که در آن زمان هنوز رایج نبود، به کار برده است. فروید، این واژه را در کتاب *لطیفه‌ها و ارتباطشان با ناخودآگاه* (۱۹۰۵) و تعدادی از مقالاتش به کار برد. دانشمند روان‌شناس، *ادوارد بردفورد تیچنر*^{۱۴} در سال ۱۹۰۹، این واژه را از آلمانی به انگلیسی ترجمه کرد.^{۱۵}

این مفهوم تا سال ۱۹۶۰، که *رالف گرینسون*^{۱۶} آن را مورد مطالعه قرار داد، اهمیت پیدا نکرد. بی‌تردید علاقه به انتقال متقابلی که بعد از اثر هنریک راسر^{۱۷} و پائولا هیمان^{۱۸} ایجاد شد، گرینسون را به این مطالعه ترغیب کرده بود.^{۱۹} نویسندگان دیگری مانند بوئی^{۲۰} (۱۹۸۱) و ویدلوشر^{۲۱} (۱۹۹۳)، تلاش داشتند تا ساز و کاری روان‌شناختی تعیین کنند که در این شکل پیچیده از درک شهودی اعمال شود. به خصوص بر نقش شناسایی و استنتاج تأکید داشته باشد. از منظر فراوان‌شناختی، این مناقشه بین کسانی که برای همدلی، نقشی تعیین کننده در کشف ناخودآگاه و فعالیت درمانی روانکاو قائلند و کسانی که انکار می‌کنند که همدلی بتواند چنین نقشی در شناسایی ناخودآگاه ایفا کند، استمرار دارد.^{۲۲}

«همدلی» مفهوم مهمی در حوزه روان‌شناسی و ارتباط بین فردی است.^{۲۳} نگران شدن از ناراحتی دیگران، حتی در میان کودکان دوازده ماهه و نیز در میان میمون‌ها و بوزینه‌ها مشاهده می‌شود.^{۲۴} همدلی به عنوان یک ویژگی شخصیتی و نیز به عنوان یک توانایی، شرایط لازم را برای توجه به بسیار از پدیده‌ها فراهم می‌کند.^{۲۵}

افراد همدل، سه خصیصه مهم دارند: اول اینکه، درباره نیازهای دیگران نوعی احساس نگرانی دارند. دوم اینکه، با دیگران اشتراک نظر دارند؛ یعنی قادرند خود را به جای دیگران بگذارند و به مسائل از نگاه آنان بنگرند. سوم اینکه، دارای احساسات همدلانه هستند که آن را از طریق رفتارهای متناسب نشان می‌دهند.^{۲۶} فشیخ^{۲۷} نیز همدلی را بر اساس دو جزء عاطفی، شامل توانایی در شناسایی و نامگذاری حالات دیگران و یک جزء دیگر شامل توانایی نشان دادن پاسخ عاطفی تحلیل می‌کند.^{۲۸}

دیویس و همکارانش (۱۹۹۴) همدلی را سازه‌ای چند بعدی می‌دانند که عبارتند از:

۱. دیدگاه‌گیری: توانایی برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران؛
۲. توجه همدلانه: میزان احساسات همدلانه دیگر محور و نگرانی برای افراد درمانده؛

۳. درماندگی شخصی: احساسات خومحوری، نگرانی و تنش در شرایط بین فردی. به رغم تفاوت در تعاریف همدلی، این اعتقاد کلی وجود دارد که زنان نسبت به مردان بیشتر همدلی می‌کنند.^{۲۹} پژوهش‌ها، نمرات بالاتری را برای دختران در همدلی عاطفی و شناختی، نسبت به پسران نشان می‌دهد.^{۳۰} مطابق برخی مطالعات، زنان دو برابر مردان از احساس همدلی برخوردارند.^{۳۱} زنان یا به دلیل تفاوت‌های ژنتیکی و یا به دلیل تفاوت‌های فرهنگی، بیش از مردان، همدلی نشان می‌دهند.^{۳۲}

افرادی که همدلی بیشتر و قوی‌تری نسبت به امور دیگران دارند، حساس‌تر هستند و به صورت عاطفی به آنها پاسخ می‌دهند و به طور کلی، بهترین و بیشترین کمک را فراهم می‌آورند.^{۳۳} مشخصه عاطفی و روانی همدلی، آگاهی از افکار، احساسات و حالات ذهنی دیگران، زمینه‌ساز همانندسازی افراد با یکدیگر در عرصه‌های مختلف اجتماعی است.^{۳۴}

عفو، یکی از فضایل مبتنی بر گرمی و صمیمیت است، و غالباً زمانی رخ می‌دهد که فضایل عشق، همدلی، فروتنی، و سپاس‌گذاری همراه با آن، در فعالیت باشند.^{۳۵} مک کولو،^{۳۶} ورتینگتون^{۳۷} و راجال^{۳۸} (۱۹۹۷)، رابطه بین همدلی و عفو و گذشت را به طور تجربی ثابت کرده، و نشان دادند که ۱. همدلی در ایجاد رابطه عذرخواهی - گذشت و ساطت می‌کند؛ ۲. مداخلات مربوط به عفو، مبتنی بر همدلی بیش از مداخلات غیرمبتنی بر همدلی به عفو و گذشت می‌انجامند؛ و ۳. قطع نظر از نوع مداخله‌ای که صورت می‌پذیرد، هر قدر همدلی بیشتر باشد، عفو و گذشت نیز موفقیت‌آمیزتر خواهد بود.^{۳۹}

ریشه بسیاری از رفتارهای نوع دوستانه، همدلی است.^{۴۰} بین همدلی و رفتارهای نوع دوستانه و گرایش به یاری‌رسانی دیگران، در قالب رفتارهای مدنی - سازمانی، روابط مثبت گزارش شده است.^{۴۱} همدلی و اکتساب آن، از مؤلفه‌های ضروری و اساسی برای تحول رفتارهای جامعه‌یار است. پژوهشگران بین شکل‌های مختلف رفتار جامعه‌یار و همدلی رابطه معنی‌داری نشان داده‌اند.^{۴۲} انسان در جریان یک ارتباط عاطفی و همدلانه می‌تواند عواطف و احساسات خود را کنترل و رفتار خود را با انتظارات افراد جامعه هماهنگ و سازگار سازد.^{۴۳} از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که شدت و ضعف آن در تعیین میزان کمک [رفتار حمایتی] شخص مؤثر است، مؤلفه «همدلی» است. انسان‌ها در همدلی متفاوتند. برخی از آنان عمیقاً از ناراحتی دیگران متأثر می‌شوند، تا جایی که آن را ناراحتی خود به حساب می‌آورند. برخی دیگر، مثل جامعه ستیزان، کاملاً بی‌اعتنایند و تحت تأثیر حالات عاطفی دیگران قرار نمی‌گیرند.^{۴۴}

کالیویسکا^{۴۵} (۱۹۹۲)، دریافت دانشجویان با احساس همدلی زیاد، در مقایسه با دانشجویانی که کمترین حد همدلی را داشتند، نگرش‌های مثبت‌تری نسبت به رفتارهای موجب سلامتی داشتند، شیوه رفتاری سالم‌تری داشته، از حرمت خود بهتری برخوردار بودند و احتمال سیگار کشیدن و مصرف الکل در آنان کمتر بود.^{۴۶} سیمور فشباخ (۱۹۶۹) نیز در مطالعه خود در زمینه همدلی، به رابطه‌ای مشخص بین همدلی و رفتار پرخاشگرانه دست یافته است. وی عقیده دارد بهترین شیوه کنترل پرخاشگری و کاهش خشونت در جامعه، پرورش همدلی است. تجربه برقراری ارتباط عاطفی مناسب یا دلبستگی و همدلی نسبت به فرد دیگر، در شیوه سازگاری فرد بسیار مهم است.^{۴۷}

یکی از مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین و فرزندان، همدلی است.^{۴۸} همدلی مادران و دختران، با اختلالات رفتاری دختران رابطه منفی معناداری دارد. این رابطه، تحت تأثیر موقعیت اقتصادی خانواده قرار ندارد.^{۴۹} همدلی عاطفی و نقش‌پذیری کودکان، با یکدیگر و هر دو با تفکر تخیلی، ارتباط مثبت و معناداری دارند. ضمن اینکه گزارشات رفتارهای مثبت کودکان در خانواده و مدرسه، متناسب با میزان همدلی آنهاست.^{۵۰}

سالووی^{۵۱} (۲۰۰۲) نیز دریافت که هوش هیجانی بالا با همدلی و رضایت بین شخصی بالا، سبک‌های کنار آمدن سازش یافته، افسردگی و اضطراب اجتماعی پایین، رابطه مستقیم دارد.^{۵۲} ابوالقاسمی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که مقیاس همدلی، توان پیش‌بینی و سنجش هوش هیجانی، اضطراب، افسردگی و استرس نوجوانان را دارد.

تحقیقات نشان می‌دهند که همدلی تحت تأثیر عوامل مختلف شخصیتی و موقعیتی قرار دارد. از جمله این عوامل، می‌توان به عوامل ژنتیکی، عوامل مرتبط با جنس، یادگیری، عوامل فرهنگی اشاره کرد.^{۵۳} برخی محققان پاسخ‌های بیش از ۸۰۰ جفت از دوقلوهای یک تخمکی و دو تخمکی را درباره میزان همدلی بررسی کرده‌اند. مؤلفه‌های مهم همدلی مثل نگرانی توأم با همدردی و ناراحتی شخصی، از عوامل ژنتیکی حاصل می‌شوند. محققان تخمین زده‌اند که ۲۸ درصد تفاوت‌های میان افراد در نگرانی همدلانه و ۳۲ درصد تفاوت‌ها در نگرانی‌های شخصی، ژنتیک هستند.^{۵۴}

گرچه داده‌های تجربی کاملاً هماهنگ نیست، اما شواهدی وجود دارد که دلبستگی ایمنی بخش با ویژگی‌های آینده فرد از قبیل عواطف مثبت، همدلی، حرمت نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان پیوند دارد.^{۵۵} جان بالبی^{۵۶} (۱۹۵۱) روانکاو انگلیسی، عقیده دارد که رفتار همدلانه از رفتار غریزی دلبستگی ناشی می‌شود. به عبارت دیگر،

شالوده رفتار همدلانه، در دوران نوزادی از طریق فرایند رابطه نوزاد و مراقب او شکل می‌گیرد.^{۵۷} البته، روانکاوای در ابتدا از طریق نظریه سائق، سعی نمود پدیده رفتار دلبستگی و همدلی ناشی از آن را از طریق نیروهای جنسی یا لیبیدو^{۵۸} تشریح کند. اما بعدها فروید به این نکته اشاره نمود که مادر و سینه‌های او اهداف تأمین‌کننده علاقه کودک هستند. در این نظریه، هر نوع دلبستگی یا ارتباط عاطفی با مادر، نتیجه نیازهای فیزیولوژیک نوزاد است.^{۵۹}

سرووف^{۶۰} (۱۹۸۹) معتقد است که کودکان دارای دلبستگی ایمن، توانایی برای همدلی و همدل بودن را درونی می‌سازند. کنش متقابل همدلانه کودک و مادر، سبب می‌شود کودک درباره احساس اعتماد و دوستی، درک دیدگاه دیگران و توجه و همدلی با دیگران در روابط اجتماعی چیزهایی یاد بگیرد.^{۶۱} تعاملات غیرمناسب [غیر ایمن مادر و کودک] ویژگی‌هایی را در کودک ایجاد می‌کند که شامل ناتوانی در تشخیص و درک هیجان‌های خود و دیگران، ضعف در تنظیم هیجان‌های خود و اشکال در توانایی همدلی و حل مسایل و تعارضات می‌باشد. از آنجا که این عوامل، از مؤلفه‌های اصلی هوش هیجانی هستند، مجموع ضعف در این مهارت‌ها، به تضعیف هوش هیجانی منجر می‌شود.^{۶۲} پژوهش‌ها نشان داد، همدلی عاطفی کودکان، ارتباط معناداری با درک همدلانه آنها از سوی والدین دارد.^{۶۳} و بین توانایی همدلی مادران و دختران، رابطه معناداری وجود دارد.^{۶۴}

احمدی (۱۳۸۵)، ایجاد و رشد همدلی والدین نسبت به فرزندان را نیازمند تلاش در سه بعد مهم شناختی، عاطفی و ارتباطی می‌داند:^{۶۵}

۱. مؤلفه شناختی همدلی، والدین را ملزم می‌سازد که رفتار فرزند را دقیقاً مشاهده کرده و از معنای مشاهدات خود آگاهی یابد. همدلی نیازمند آشنایی با تجربه رفتاری فرزند و نیز اطلاع از تأثیرات آن رفتار است. اطلاعاتی نظیر تأثیرات رفتار فرزند بر افکار و عواطف او و یا هنگام رویارویی با مسائل مختلف زندگی.

۲. مؤلفه عاطفی همدلی، نیازمند حساسیت به احساسات فرزند و گوش دادن به گفته‌های او درباره احساسات خویش است. این احساسات در قالب کلام، حرکات و یا اعمال فرزند جلوه‌گر می‌شود. این مؤلفه‌ها، نیازمند هماهنگی دریافت‌های والدین از عواطف فرزند با رفتارهای فرزند است.

۳. مؤلفه ارتباطی همدلی، بر انتقال این نکته به فرزند تأکید دارد که والدین او را درک کرده، حقایق درباره تجارب و رفتارهای فرزند می‌دانند و احساسات کنونی او را دقیقاً

درک می‌کنند. به عبارت دیگر، همدلی مستلزم آن است که به نحوی به فرزند منتقل شود که والدین او را درک می‌کنند.

پژوهشگران دریافته‌اند که بین همدلی نوجوانان و رفتارهای حمایتی والدینی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.^{۶۶} بر اساس تحقیقی درباره آن دسته از مردم چین، که در هنگ‌کنگ زندگی می‌کنند، (سنین ۱۶ تا ۷۸ سال) افرادی که در یک خانواده منسجم رشد کرده‌اند، احساسات همدلی آنان بیشتر پرورش یافته است و نسبت به رفاه حال والدین خود، احساس مسئولیت بیشتری دارند.^{۶۷} به نظر بارون^{۶۸} و بایرن^{۶۹} (۱۹۹۷) همدلی، بخش مهمی از خودپنداره افرادی است که خویش را درگیر رفتار حمایتی می‌کنند. این افراد، خویشان را انسان‌هایی مسئول و دارای مهار خود و کسانی که می‌خواهند برداشت خوبی از خویش به جای بگذارند و هم‌رنگ و شکیبیا، توصیف می‌کنند.^{۷۰}

توجه به نیازهای عاطفی در اسلام

از نظر اسلام، بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان، نیازهای عاطفی است که مرتبط با اولین مؤلفه رفتار حمایتی، یعنی همدلی است. بسیاری از اختلالات و نارسایی‌های شخصیتی، خلّقی و رفتاری، ریشه در بی‌توجهی به این نیاز اساسی و کمبود آن دارد. همه انسان‌ها نیازمند محبت، عاطفه و توجه دیگرانند. همچنین نیازمندند که برای پرورش کمالات انسانی در خود، به دیگران محبت کنند و دیگران را از عاطفه و توجه خویش بهره‌مند سازند. اسلام به عنوان دینی جامع، به این نیاز اساسی توجه کافی را مبذول داشته است و تربیت انسان‌هایی حساس نسبت به نیازهای عاطفی دیگران را وجهه همت خویش قرار داده و از شیوه‌های مختلف ایجاد نگرش صحیح به مسئله و ترغیب آنان و نیز ارائه الگوهای عملی کوشیده است برای برآوردن این نیاز اساسی، بسترهای مناسب را فراهم آورد.^{۷۱}

در آموزه‌های اسلامی توجه به این نیاز، همواره مستقل و یگانه نیست. در بسیاری از موارد به صورت ضمنی و تبعی، که در واقع حاکی از نوعی نگاه ظریف به مسئله است، به ارضای این نیاز توجه شده است. به عبارت دیگر، در موارد بسیاری بین توجه به نیازهای مختلف انسان، نوعی تداخل دیده می‌شود. چنانکه در مورد خود نیازها هم، چنین تداخلی مشاهده می‌شود. برای مثال، فرد ناتوانی که می‌خواهد بار سنگینی را از جایی به جایی ببرد و پول کافی برای استخدام باربر ندارد، در عین حال، از نظر روحی و عاطفی کاملاً خسته و افسرده است و از بی‌کسی و ناتوانی و بی‌پولی خود شکوه می‌کند، هم دارای نیاز اقتصادی است، هم نیاز

بدنی و هم نیاز عاطفی. در چنین مواردی، اگر کسی به او کمک مالی بکند، از نظر بدنی و عاطفی نیز او را حمایت کرده است. یا اگر در حمل بارش شخصاً به او کمک کند، این کمک، حمایت عاطفی و اقتصادی را نیز شامل می‌شود؛ مانند ثواب قرض دادن به برادر مؤمن: رسول خدا ﷺ فرمودند:

کسی که به برادر مؤمن خود قرض بدهد، در برابر هر دره‌می که قرض داده، هم وزن کوه أحد، رضوان و طور سینا، حسنات خواهد داشت. اگر برای باز پس‌گیری آن مدارا کند، از پلِ صراط همچون برق جهنده، بدون حساب و عذاب خواهد گذشت.^{۷۲}

حضرت علیؑ در خصوص حمایت مالی از ایتام فرمودند:

خدا را! خدا را! درباره یتیمان، نکند آنان گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند و حقوقشان ضایع گردد. به راستی از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: کسی که یتیمی را سرپرستی کند تا بی‌نیاز شود، خداوند بهشت را برای او واجب می‌کند.^{۷۳}

امام صادقؑ در فرمایشی به ابن‌جندب درباره پناه دادن به دور افتادگان از وطن فرمودند: «خدای عزوجل فرمود: همانا نماز کسی را قبول می‌کنم که دور از وطن را پناه دهد.»^{۷۴} در مواردی هم که حمایت عاطفی در آنها، وجهه غالب رفتار حمایتی است، مانند کشیدن دست نوازش بر سر یتیم، رسول اکرم ﷺ فرمودند:

هر که قساوت قلب داشته باشد که گریه‌اش نیاید و ازین معنی راضی نباشد، پس باید که نزدیک خود آورد یتیمی را و با او مهربانی کند و دست نوازش بر سر او کشد که نرم می‌شود دل او به اذن الهی تعالی شأنه به درستی که یتیم را حقی عظیم هست.^{۷۵}

یا حتی صرف عیادت بیمار بدون توجه و تلاش در مورد برآوردن نیازهای دیگر او:

رسول اکرم ﷺ فرمان داد که تشییع جنازه کنیم و به عیادت بیمار برویم.^{۷۶}

همچنین قرآن کریم درباره اکرام سالمندان فرموده است: «هر گاه یکی از آن دو، یا هر دو آنها، نزد تو به سن پیری و شکستگی برسند (آن‌چنان که نیازمند به مراقبت تو باشند)، کمترین اهانتی به آنان مکن.» (اسراء: ۲۳)

امام رضاؑ به نقل از رسول خدا ﷺ فرمودند: «بزرگان را احترام کرده و بر کودکان رحم آورید و وظیفه خود را در قبال خویشان نزدیک به جای آورید و بر آن مراقب باشید.»^{۷۷} در مواردی نیز حمایت، صرفاً جنبه عاطفی دارد. از جمله مواردی که توصیه می‌شود، مؤمنان ارتباط عاطفی نزدیک با یکدیگر داشته باشند: «همانا، مؤمنین برادران یکدیگرند» (حجرات: ۱۰)؛ «مؤمنین، با یکدیگر مهربان و عطفند» (فتح: ۲۹).

در مواردی نیز توصیه شده است که همسران نسبت به یکدیگر اظهار محبت کنند و این مطلب را بر زبان آورند. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «از خدا درباره دو ناتوان بترسید: یتیم و زن. به درستی که بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد.»^{۷۸} امام صادق ﷺ فرمودند: «زنانتان را دوست بدارید.»^{۷۹} رسول خدا ﷺ فرمودند: «این سخن مرد به زن که دوستت دارم، هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود.»^{۸۰} در مواردی نیز به والدین توصیه شده است که فرزندان خویش را به دور از خرافات جاهلی و به شکل فراجنسیتی دوست بدارند. رسول خدا ﷺ در این زمینه فرمودند: «کسی که دختر بچه خود را شادمان کند، مانند کسی است که بنده‌ای را از فرزندان (حضرت) اسماعیل، آزاد کرده باشد. آن کس که پسر بچه خود را مسرور و دیده او را روشن کند، مانند کسی است که از خوف خدا گریسته باشد.»^{۸۱} فرهنگ اسلامی از طریق ارائه نگرش‌ها و بینش‌های مثبت نسبت به رفتار حمایتی و بینش‌های منفی نسبت به بی‌اعتنایی به گرفتاری‌های دیگران و عدم کمک به نیازمندان از یک سو، و از طریق برانگیختگی عاطفی و بالا بردن حساسیت‌ها و تهییج روانی از سوی دیگر، می‌کوشد افراد را از نظر شخصیتی، آن‌گونه تربیت کند که با دیگران همدلی داشته باشند.^{۸۲} به هر حال، در منابع اسلامی موارد بسیاری وجود دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، موضوع رفتار حمایتی را مورد توجه قرار داده‌اند. موارد رسیدگی به حال ایتام، توصیه به مردان در مورد توجه به همسران خود، عیادت بیماران، توجه خاص به فرزندان دختر، رسیدگی به حال غریب‌ها و از وطن دورافتاده‌ها، توجه خاص به سالمندان، به خصوص والدین و خویشاوندان، در منابع اسلامی به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است.^{۸۳} این پژوهش به دنبال کنجکاو‌ی‌ها و مطالعات محقق درباره حوزه تأثیرهای روانی و اجتماعی بازی‌های رایانه‌ای، تأثیر آنها را بر سازه مهمی چون همدلی بررسی می‌کند تا در صورت اثبات اصل تأثیر، کیفیت آن را کشف کند. نتایج حاصل را در اختیار والدین قرار دهد تا با پیگیری بیشتر، به راهکاری مناسب در برخورد با فرزندان‌شان در مقابل این پدیده جذاب و نافذ نایل آیند. همچنین اهتمام بیشتر مسئولان را به دنبال داشته باشد تا با راهکارهایی مانند فیلتر کردن ورود بازی‌ها، تعیین ملاک‌های بازی برای هر سن و ساخت بازی‌های مناسب سنین مختلف و فرهنگ دینی و ملی، از اثر مخرب بازی‌های وارداتی بکاهند. بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این دست پرسش‌ها می‌باشد: آیا بین انجام

بازی‌های رایانه‌ای و میزان همدلی همبستگی وجود دارد؟ آیا بین انجام بازی‌های رایانه‌ای و خرده مؤلفه‌های همدلی همبستگی وجود دارد؟ آیا جنسیت در همبستگی بین بازی‌های رایانه‌ای و همدلی تأثیرگذار است؟

بر اساس این پرسش‌ها، فرضیه‌های پژوهش چنین شکل می‌گیرد:

۱. بین میزان انجام بازی‌های رایانه‌ای و همدلی، همبستگی منفی وجود دارد.
 ۲. بین میزان انجام بازی‌های رایانه‌ای و خرده مؤلفه‌های همدلی، همبستگی منفی وجود دارد.
 ۳. جنسیت، در همبستگی بین بازی‌های رایانه‌ای و همدلی، تأثیرگذار است.
- بنابراین، با توجه به فراگیر شدن بازی‌های رایانه‌ای و تأثیر چشمگیر همدلی در جنبه‌های اجتماعی، روان‌شناختی و نقش پایه‌ای آن در رفتار اجتماعی فرد، محقق در این پژوهش به دنبال سنجش تأثیر این بازی‌ها در همدلی نوجوانان است.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش پیمایشی استفاده شده است. در این روش، هم به توصیف وضعیت جامعه آماری از نظر متغیرهای خاص توجه شده است و هم به ارتباط برخی متغیرها پرداخته شده تا مشخص شود آیا متغیرهای مورد بحث با یکدیگر ارتباط دارند، یا خیر؟ در صورت ارتباط، در چه شرایطی با هم تغییر می‌کنند؟^{۸۴}

عواملی که می‌توانند بر متغیر وابسته (همدلی) تأثیر گذارند، به مثابه متغیر مستقل و تعدیل کننده در نظر گرفته می‌شوند. این متغیرها می‌توانند نمره همدلی فرد را کاهش یا افزایش دهند. لازم به یادآوری است که در این تحقیق، بازی‌های ویدیویی و رایانه‌ای به منزله متغیر مستقل و سایر عوامل به عنوان متغیر تعدیل کننده در نظر گرفته شده است. به منظور سنجش متغیر مستقل، آزمودنی‌ها به دو گروه تقسیم شدند: افرادی که به بازی‌های رایانه‌ای نمی‌پردازند و افرادی که اوقات را برای پرداختن به این‌گونه بازی‌ها صرف می‌کنند. گرچه بهتر بود آزمودنی‌ها یک‌بار قبل از انجام یک دوره زمانی بازی‌های رایانه‌ای، مورد آزمون قرار گرفته و در مرحله بعد، پس از انجام این بازی‌ها، همان افراد مورد آزمون قرار می‌گرفتند تا میزان اثرگذاری بازی‌های رایانه‌ای، بهتر و دقیق‌تر مشخص شود. در میزان همدلی، به مؤلفه‌های مختلفی چون میزان تحصیلات و شغل والدین، شرایط محل سکونت و جنس فرد توجه شده است.

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان کلاس سوم مقطع راهنمایی در شهر قم، در سال تحصیلی ۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ است. حجم نمونه، ۲۲۰ نفر ۱۵ تا ۱۶ سال است. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای در دو مرحله انجام شد: در مرحله اول، واحد نمونه‌گیری، مدرسه بود که به صورت تصادفی از میان مدارس راهنمایی، دو ناحیه آموزشی متفاوت شهر (ناحیه ۳ و ناحیه ۴)، چهار مدرسه (۲ مدرسه پسرانه و ۲ مدرسه دخترانه) انتخاب شد. در مرحله دوم، واحد نمونه‌گیری، کلاس بود که به صورت تصادفی از میان کلاس‌های هر مدرسه انتخاب شد. لازم به یادآوری است ۲۶ پرسش‌نامه ناقص بود که کنار گذاشته شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه همدلی است که دارای ۲۱ سؤال است. برای گروه سنی کودکان و نوجوانان به کار می‌رود. هر چند با تغییر عبارت‌ها، برای سنین بالاتر نیز قابل اجرا می‌باشد. ۲۱ ماده این آزمون، شامل سه خرده‌مقیاس است که عبارتند از: نگرانی همدلانه؛ این مفهوم اشاره دارد به عواطف دیگرگرای حاصل شده از درک نیاز دیگری؛^{۸۵} دیدگاه‌پذیری،^{۸۶} (توانایی درک اشیاء و اتفاقات از نگاه دیگران، یا توانایی ما در درک تفکر، احساسات و هیجانات دیگران؛ و اندوه شخصی؛^{۸۷} واکنش منفی و هیجانی متمرکز بر خود مانند اضطراب، نگرانی، ناراحتی؛ به دلیل درک یا فهم وضعیت عاطفی یا شرایط احساسی دیگران.^{۸۸} شیوه نمره‌گذاری این آزمون به صورت چهار نمره‌ای است. به این معنا که گزینه‌های «الف» تا «د»، به صورت مستقیم و معکوس، نمرات ۱ تا ۴ دریافت می‌کنند. ماده‌های ۱-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱، به صورت مستقیم و سایر پرسش‌ها (۴-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴-۱۵) به صورت معکوس نمره دریافت می‌کنند. روشن است که حداقل نمره‌هایی که یک فرد می‌تواند دریافت کند ۲۱ و حداکثر ۸۴ خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی فرضیه‌های این پژوهش، اطلاعات به دست آمده از فرآیند تحقیق، با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی، تحلیل واریانس (F) و آزمون شفه، تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از آن، یافته‌های پژوهش را شکل داده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود. برای بررسی این فرضیه، که بین میزان انجام بازی‌های رایانه‌ای و همدلی، همبستگی منفی وجود دارد، از ضریب همبستگی استفاده شد. نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱: همبستگی میان میزان بازی رایانه‌ای با سطح همدلی و زیرمقیاس‌های آن

متغیرها	مقدار R	سطح معناداری
همدلی	-۰.۰۹۴	۰.۱۹۱
اندوه شخصی	۰.۰۴۴	۰.۵۴۶
نگرانی همدلانه	-۰.۰۲۳	۰.۷۴۹
دیدگاه‌پذیری	-۰.۲۰۰	۰.۰۰۵

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه شده بین میزان بازی رایانه‌ای، با متغیر همدلی و زیرمقیاس‌های آن (اندوه شخصی، نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری)، مشخص می‌شود که تنها میزان دیدگاه‌پذیری با میزان ساعت‌های بازی رایانه‌ای ارتباط معکوس و معناداری دارد و با سایر متغیرها رابطه معناداری ندارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان ساعت‌های بازی رایانه‌ای، میزان دیدگاه‌پذیری کاهش پیدا می‌کند و به عکس. اما بازی رایانه‌ای، بر متغیر همدلی و زیرمقیاس‌های اندوه شخصی و نگرانی همدلانه تأثیری ندارد. میزان بازی‌های رایانه‌ای، به تنهایی ۴ درصد تغییرات دیدگاه‌پذیری را تبیین می‌سازد و ۹۶ درصد را عوامل دیگری تبیین می‌کند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش تأیید نمی‌شود. هرچند در زیرمقیاس دیدگاه‌پذیری، رابطه معنادار است.

برای بررسی رابطه دیدگاه‌پذیری با میزان ساعت‌های بازی شرکت‌کنندگان، از آزمون تحلیل واریانس (F) و آزمون شفه استفاده، شد و نتایج زیر حاصل شد:

جدول ۲: مقایسه میانگین ساعت‌های بازی رایانه‌ای بین افراد با دیدگاه‌پذیری متفاوت

دیدگاه‌پذیری	تعداد	میانگین ساعت‌های بازی	مقدار F	درجه آزادی	سطح معناداری
کم	۲۶	۸۴.۸۸	۳.۵۷۳	۲	۰.۰۳۰
متوسط	۱۲۸	۵۲.۸۳			
زیاد	۴۰	۳۷.۰۰			
جمع	۱۹۴	۵۳.۸۶			

جدول ۳: نتایج آزمون شفه

Subset for alpha = .05		تعداد	دیدگاه‌پذیری
2	1		
	37.00	40	زیاد
52.83	52.83	128	متوسط
84.88		29	کم
0.123	0.594		سطح معناداری

با توجه به آزمون تحلیل واریانس، می‌توان گفت: میزان ساعت‌های بازی رایانه‌ای افراد، با دیدگاه‌پذیری ارتباط معناداری دارد. با توجه به آزمون شفه (F)، این ارتباط بین افرادی که بیش از یک ساعت بازی رایانه‌ای انجام می‌دهند، با افرادی که کمتر از یک ساعت بازی

می‌کنند، معنادار است. افرادی که بیش از یک ساعت بازی رایانه‌ای می‌کنند، در مقایسه با افرادی که کمتر از یک ساعت بازی رایانه‌ای می‌کنند، از دیدگاه‌پذیری پائین‌تری برخوردارند. بنابراین، از فرضیه دوم نیز فقط همبستگی زیرمقیاس دیدگاه‌پذیری با بازی‌های رایانه‌ای مورد تأیید قرار گرفت و در دیگر زیرمقیاس‌ها، نتایج معنادار نیست. به منظور بررسی فرضیه سوم، که «جنسیت در همبستگی بین بازی‌های رایانه‌ای و همدلی، تأثیرگذار است»، از ضریب همبستگی کمک گرفته شد. نتایج حاصل در جدول‌های ۴ و ۵ بیان می‌شود:

جدول ۴: همبستگی میان زمان بازی رایانه‌ای با همدلی و زیرمقیاس‌های آن در بین پسران

متغیرها	مقدار R	سطح معناداری
همدلی	-۰.۲۳۴	۰.۰۲۳
اندوه شخصی	-۰.۰۸۳	۰.۴۲۶
نگرانی همدلانه	-۰.۲۵۲	۰.۰۱۴
دیدگاه‌پذیری	-۰.۱۳۰	۰.۲۱۰

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه شده بین ساعت‌های بازی رایانه‌ای پسران با متغیر همدلی و زیرمقیاس‌های آن (اندوه شخصی، نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری)، مشخص می‌شود که میزان همدلی و زیرمقیاس دیدگاه‌پذیری با میزان ساعت‌های بازی رایانه‌ای ارتباط معکوس و معناداری دارد و با سایر زیرمقیاس‌ها رابطه معناداری ندارد. به عبارت دیگر، با افزایش میزان ساعت‌های بازی رایانه‌ای در پسران، میزان همدلی و دیدگاه‌پذیری آنها کاهش پیدا می‌کند و به عکس. اما بازی رایانه‌ای بر میزان اندوه شخصی و نگرانی همدلانه تأثیری ندارد. میزان بازی‌های رایانه‌ای، به تنهایی ۵.۵ درصد تغییرهای همدلی و ۶.۳ درصد تغییرهای دیدگاه‌پذیری را تبیین می‌سازد و بقیه را عوامل دیگری تبیین می‌کند.

جدول ۵: همبستگی میان زمان بازی رایانه‌ای با همدلی و زیرمقیاس‌های آن در بین دختران

متغیرها	مقدار R	سطح معناداری
همدلی	۰.۰۱۳	۰.۸۹۶
اندوه شخصی	۰.۱۴۸	۰.۱۴۲
نگرانی همدلانه	۰.۵۷	۰.۵۷۶
دیدگاه‌پذیری	-۰.۱۶۴	۰.۱۰۳

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه شده بین ساعت‌های بازی رایانه‌ای دختران با متغیر همدلی و زیرمقیاس‌های آن (اندوه شخصی، نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری)، مشخص می‌شود که در بین دختران، بازی رایانه‌ای تأثیری بر میزان همدلی ندارد. بنابراین، فرضیه سوم تأیید شد.

نتیجه‌گیری

عدم وجود همبستگی بین حجم زمانی بازی‌ها و سطوح همدلی را می‌توان این‌گونه تبیین نمود: وجود ظرفیت بالای همدلی در دوره تحولی نوجوانی، سبب تأثیرپذیری حداقلی نوجوان از بازی‌های رایانه‌ای شده است. همان‌گونه که در مقدمه عنوان شد، الگوی تربیتی و حمایت‌های عاطفی دوران نوزادی و کودکی از سوی مراقب (اغلب مادر)، از اهمیت چشم‌گیری در این زمینه برخوردار است. از این‌رو، بازی‌های رایانه‌ای، سطح کوچکی از این دامنه تغییرات را برعهده دارد که در این محدوده تحولی، تأثیر چشمگیری نداشته است. علاوه بر این، نوع محتوای بازی‌های رایانه‌ای نیز در این تغییر مؤثر است که در این پژوهش، مورد بررسی قرار نگرفته است.

تأثیر منفی بازی‌های رایانه‌ای بر دیدگاه‌پذیری (توانایی درک چیزها (اشیاء و اتفاقات) از نگاه دیگران، نه از نگاه خود یا توانایی ما در درک تفکر، احساسات و هیجانات دیگران) را می‌توان از این زویه مورد پذیرش قرار داد که بازی‌های رایانه‌ای هرچند در ظاهر اراده را در اختیار کاربر قرار می‌دهد، اما قانون نانوشته‌ای در این‌گونه بازی‌ها (اغلب ساخته غرب) وجود دارد که فکر و به دنبال آن، احساس کاربر را به سمت مورد نظر خود هدایت نماید. از این‌رو، فرد فرصتی برای اندیشه ندارد، چه در مورد خود، چه در مورد دیگران. درک تفکر، احساس یا هیجان رقیب مجازی، برابر با باختن در بازی است. البته به این نکته نیز باید توجه نمود که دامنه تغییرات ۴ درصدی زمان بازی رایانه‌ای در توانایی دیدگاه‌پذیری، این نکته را تذکر می‌دهد که عوامل بسیاری در این زمینه دخیل هستند. برای رسیدن به تحلیلی کامل، مورد توجه قرار گیرند. برای مثال، درک اشیاء و اتفاقات از نگاه دیگران، توانمندی ویژه‌ای است که نیاز به مهارت آموزی و داشتن اغلب ابزار تفکر از جمله، تفکر انتزاعی است که در اوایل نوجوانی، هنوز به خوبی شکل نگرفته است.

در تبیین تأثیر جنسیت در همبستگی بین بازی‌های رایانه‌ای و همدلی، روشن است که پس از دریافت تفاوت جنسیتی در ظرفیت همدلی، این پیش‌بینی را باید داشت که وجود همدلی بالا در جنس مؤنث، نسبت به جنس مذکر، توان مقاومت بیشتری در برابر تهدید این ویژگی اجتماعی در او ایجاد می‌کند. از تحلیل جنسیتی تأثیر این نکته نیز به دست می‌آید که عدم همبستگی بین بازی‌های رایانه‌ای و متغیر همدلی، عدم وجود همبستگی بین آنها، در میان دختران است؛ زیرا این همبستگی در بین پسران، معنادار است.

پی‌نوشت‌ها

۱. مرتضی منطقی، بررسی پیامدهای بازی‌های ویدئویی - رایانه‌ای، ص ۳
2. Nintendo
۳. همان، ص ۴
۴. همان، ص ۹
۵. همان، ص ۱۰
6. Groos, K.
۷. ر.ک: محمود منصور، روانشناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری.
۸. همان، ص ۲۷۰
۹. فرگاس پیتر هیوز، روان‌شناسی بازی؛ کودکان، بازی و رشد، ترجمه کامران گنجی، ص ۱۹۲
۱۰. همان
11. Vischer, R.
12. Lipps, T.
13. Macmillan. International Dictionary of Psychoanalysis, Volume 1: empathy, Gale, Michigan.
- Reber, A. S., Dictionary of psychology. London, Penguin Books. Second edition, p. 249.
14. Titchener, E.B.
۱۵. فرگاس پیتر هیوز، همان
16. Greenson, R.
17. Racker, H.
18. Heimann, P.
۱۹. فرگاس پیتر هیوز، همان
20. Buie, D. H.
21. Widlöcher, D.
22. Macmillan.op.cit
۲۳. محمدرضا احمدی، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، معرفت، ش ۱۰۴، ص ۲۱
۲۴. مسعود آذربایجانی و همکاران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۴۹
۲۵. محسن گل‌پرور، و دیگران، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، رفاه اجتماعی، ش ۳۲، ص ۱۴۷
26. Trobst K.K., Collins R.L., & Embree J.M. The role of emotion in social support provision: Gender, empathy and expressions of distress. *Journal of social and Personal Relationships*, 11. 45-62.
27. Fechbak, S.
۲۸. ر.ک: زهرا درویزه، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، زنان، ش ۳.
29. Manstead, A, Gender differences in emotion. In: A. Gale and M.W. Eysenck, Editors, Handbook of individual differences biological perspectives, Wiley, Oxford
30. Jolliffe, D & Farrington, D.P, Developmental and validation of the basic empathy scale, *Journal of Adolescence*, 29 (4),589-611
۳۱. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۵۰
32. Trobst K.K., Collins R.L., & Embree J.M. op.cit
۳۳. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۴۹ و ۳۵۰
۳۴. محسن گل‌پرور و دیگران، همان، ص ۱۳۶
۳۵. ورثینگتون، اورت ال و دابلیو.بری، جک و پاورت، لس و ترجمه مجتبی حیدری، «کینه توزی، گذشت، دین و سلامتی»، نقد و نظر، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۲۴۸ - ۲۹۲
36. McCullough, M. E.
37. Worthington, E. L.
38. Rachel, K. C.
39. McCullough, M. E., Worthington, E. L., Jr, & Rachel, K. C. Interpersonal forgiveness in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 321-326

40. Batson, C. D., Bolen, M. H., Cross, J. A., & Neuringer-Benfiel. Where is the altruism in the altruistic personality? *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 212-220
۴۱. محسن گل‌پرور و دیگران، همان، ص ۱۳۷
42. Jolliffe, D & Farrington, op.cit
۴۳. زهرا درویزه، همان، ص ۳۱
۴۴. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۴۹
45. Kalliopuska, M.
46. Kalliopuska, M. *Attitudes towards health, health behavior, and personality factors among school students very high on empathy*. Psychological Reports, 70, 1119-1122
۴۷. زهرا درویزه، همان، ص ۳۱
۴۸. محمدرضا احمدی، همان، ص ۲۱
۴۹. زهرا درویزه، همان، ص ۳۰
50. Strayer, J & Roberts, W. Children's Empathy and Role Taking: Child and Parental Factors, and Relations to Prosocial Behavior, *Journal of Applied Developmental Psychology*, Volume 10, Issue 2, P 227-239
51. Salovey, P
۵۲. ولی الله رضایی و همکاران، «بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان»، *فصلنامه پژوهشی در سلامت روان‌شناختی*، ش ۱، ص ۴۱.
۵۳. زهرا فیض آبادی و همکاران، «بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۶
54. Davis, M.H, Luce, C & Kraus, J.D, The heritability of characteristics associated with dispositional empathy, *Journal of Personality*, 62(3), 369-391
۵۵. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۲۶۷ و ۲۶۸
56. Bowlby, J.
۵۷. زهرا درویزه، همان، ص ۳۱
58. Libido
۵۹. همان، ص ۳۲ و ۳۳
60. Sroufe, L. A
۶۱. همان، ص ۳۶
۶۲. ایران ذراتی، و دیگران، «رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی»، *تازه‌های علوم شناختی*، ش ۲۹، ص ۳۵
63. Strayer, J & Roberts, op.cit
۶۴. زهرا درویزه، همان، ص ۳۰
۶۵. محمدرضا احمدی، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، *مجله معرفت*، ش ۱۰۴، مرداد ۱۳۸۵.
66. Jolliffe, D & Farrington, op.cit
67. Cheung, C.K. & Lee, J.J. & Chan, C.M. Explicating filial piety in relation to family cohesion. *Journal of social Behavior and Personality*, 9, 565-580
68. Baron R.A.
69. Byrne D.
70. Baron R.A., & Byrne D. *Social Psychology, 8th ed., Allyn and Bacon*
۷۱. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۵۵
۷۲. محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸، ص ۳۳۱، حدیث ۲۳۷۸۷
۷۳. محمد محمدی ری‌شهری، *منتخب میزان الحکمه*، حدیث ۶۸۱۴
۷۴. محمد باقر مجلسی، *بحارالأنوار*، دارأحیاء التراث العربی، ج ۷۸، حدیث ۱، باب ۲۴، ص ۲۸۱

-
۷۵. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۳، ص ۲۸۶، حدیث ۳۶۶۸
۷۶. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۸۱، باب ۴، حدیث ۳، ص ۲۱۵
۷۷. همان، ج ۹۶، باب ۴۶، ص ۳۵۷، حدیث ۲۵
۷۸. همان، ج ۱۰۳، باب ۵۹، حدیث ۷
۷۹. همان، ج ۱۰۳، باب ۵۹، حدیث ۱۶
۸۰. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۰، باب ۳، حدیث ۲۴۹۳۰، ص ۲۳
۸۱. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۷
۸۲. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۵۵
۸۳. همان، ص ۳۵۶ و ۳۵۷
۸۴. دونالد آری و دیگران، روش تحقیق در تعلیم و تربیت، ترجمه وازگن، سرکیسیان و دیگران، ص ۵۲۹.
85. Batson, C.D. *The altruism question: Toward a social-psychological answer*. Hillsdale: Erlbaum Associates
86. perspective taking.
87. Personal distress.
88. Tice, D.M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R.F. Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 53-67.

منابع

- ابوالقاسمی، عباس، «اعتباریابی و روایی مقیاس بهره همدلی برای دانش‌آموزان دبیرستانی»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره پنجم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸.
- احمدی، محمد رضا، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، *مجله معرفت*، ش ۱۰۴، مرداد ۱۳۸۵.
- آذربایجانی، مسعود و همکاران، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران و پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، سمت، ۱۳۸۲.
- آری، دونالد، و دیگران، *روش تحقیق در تعلیم و تربیت*، ترجمه وازگن، سرکیسیان و دیگران، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- پیتر هیوز، فرگاس، *روان‌شناسی بازی؛ کودکان، بازی و رشد*، ترجمه کامران گنجی، تهران، رشد، ۱۳۸۴.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۴۰۳ق.
- الحرانی، ابو محمد الحسن، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم، نشر مکتبه البصیرتی، ۱۴۰۰ق.
- درویزه، زهرا، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، *مجله علمی پژوهشی زنان*، سال اول، ش ۳، زمستان ۱۳۸۲.
- ذراتی، ایران، امین یزدی، امیر، آزاد فلاح، پرویز، «رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی»، *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۵.
- رمضانی، ولی‌الله، شمس اسفندآبادی، حسن و طهماسبی، شهرام، «بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان»، *فصلنامه پژوهشی در سلامت روان‌شناختی*، دوره اول، ش اول، بهار ۱۳۸۶.
- زرشقای، مسعود، «هنجاریابی و اعتباریابی مقیاس‌های همدلی و رفتار مدنی - سازمانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.
- فیض آبادی، زهرا، ولی‌الله فرزاد و مهرناز شهرآرای، «بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۶.
- گل‌پرور، محسن، عریضی، حمید رضا و مدنی قهفرخی، سعید، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ش ۳۲، سال نهم، ۱۳۸۸.
- مجلسی، محمد باقر، *بحارالأنوار*، دارأحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- محمدی ری‌شهری، محمد، *منتخب میزان الحکمه*، نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۳.
- منصور، محمود، *روانشناسی ژنتیک؛ تحول روانی از تولد تا پیری*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- منطقی، مرتضی، *بررسی پیامدهای بازی‌های ویدئویی - رایانه‌ای*، تهران، فرهنگ و دانش، ۱۳۸۰.
- ورثینگتون، اورت ال و دابلیو.بری، جک و پاورت، لس و حیدری، مجتبی (مترجم)، «کینه توزی، گذشت، دین و سلامتی»، *مجله نقد و نظر*، ش ۳۳ و ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۴۸ - ۲۹۲.
- Anderson V.L. (1993). Gender differences in altruism among holocaust rescuers. *Journal of social*

Behavior and Personality, 8, 43-58.

- Baron R.A., & Byrne D. (1997): *Social Psychology*, 8th ed., Allyn and Bacon.
- Batson, C. D., Bolen, M. H., Cross, J. A., & Neuringer-Benfiel (1986). Where is the altruism in the altruistic personality? *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 212-220.
- Batson, C.D. (1991). *The altruism question: Toward a social-psychological answer*. Hillsdale: Erlbaum Associates.
- Bowlby, J. (1951). *Maternal care and Maternal health*. World health organization, Geneva
- Brothers, L. (1990). *The neural basis of primate social communication*. *Motivation and Emotion*, 14, 81-91.
- Buie, Dan H. (1981). Empathy: Its nature and limitation. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 29, 281-307.
- Cheung, C.K. & Lee, J.J. & Chan, C.M. (1994). Explicating filial piety in relation to family cohesion. *Journal of social Behavior and Personality*, 9, 565-580.
- D'Ambrosio, F, Olivier, M, Didon, D & Besche, C, (2009). *The basic empathy scale: A French validation of a measure of empathy in youth*, *Personality and Individual Differences*, 46 (2), 160-165.
- Davis, M.H, Luce, C & Kraus, J.D, (1994). The heritability of characteristics associated with dispositional empathy, *Journal of Personality*, 62(3), 369-391.
- Feshbach, S. & Feshbach, N. D. (1969). *The relationship between empathy and aggression in two age groups*. *Developmental Psychology*. P: 127-192
- Feshbach, N. D. (1978). *Studies of Empathic Behavior in Children, Progress in Experimental Psychology Research*. Vol. 8. Academic Press, New York.
- Freud, Sigmund. (1905). *Jokes and their relation to the unconscious*. SE, 8: 1-236.
- Greenson, Ralph R. (1960). Empathy and its vicissitudes. *International Journal of Psycho-Analysis*, 41, 418-424.
- Jolliffe, D & Farrington, D.P, (2006). Developmental and validation of the basic empathy scale, *Journal of Adolescence*, 29 (4), 589-611.
- Kalliopuska, M. (1992). *Attitudes towards health, health behavior, and personality factors among school students very high on empathy*. *Psychological Reports*, 70, 1119-1122.
- Manstead, A, (1992). Gender differences in emotion. In: A. Gale and M.W. Eysenck, Editors, *Handbook of individual differences biological perspectives*, Wiley, Oxford.
- McCullough, M. E., Worthington, E. L., Jr, & Rachel, K. C. (1997). Interpersonal forgiveness in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 321-326.
- Macmillan. (2005). *International Dictionary of Psychoanalysis, Volume 1: empathy*, Gale, Michigan.
- Reber, A. S. (1995). *Dictionary of psychology*. London, Penguin Books. Second edition, P:249
- Salovey, P, Stroud, L R, Woolery, A and Epel, E S (2002). "Perceived emotional intelligence, stress reactivity, and symptom reports", *Psychology and Health*, vol. 17 no.5, pp.611-627.
- Sroufe, L. A. (1989). Relationships, self, and individual adaptation. In A. J. Sameroff & R. N. Emde (Eds.), *Relationship disturbances in early childhood: A developmental approach* (pp. 70-94). New York: Basic Books.
- Strayer, J & Roberts, W, (1989). Children's Empathy and Role Taking: Child and Parental Factors, and Relations to Prosocial Behavior, *Journal of Applied Developmental Psychology*, Volume 10, Issue 2, P 227-239
- Tice, D.M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R.F. (2001). Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 53-67.
- Trobst K.K., Collins R.L., & Embree J.M. (1994). The role of emotion in social support provision: Gender, empathy and expressions of distress. *Journal of social and Personal Relationships*, 11. 45-62.
- Ungerer, J.A., Dolby, R., Waters, B., Barnett, B., Kelk, N., & Lewin, V. (1990). *The early development of empathy: Self-regulation and individual differences in the first year*. *Motivation and Emotion*, 14, 93-106.
- Widlöcher, Daniel. (1993). *L'analyse cognitive du silence en psychanalyse: Quand les mots viennent à manquer*. *Revue internationale de psychopathologie*, 12, 509-528.